

تهدید اپیدمی ویروس کرونا،

جمهوری اسلامی مسئول یک جنایت بزرگ سازمانیافته است

تعرض به کنسولگری جمهوری اسلامی در لندن

نمایش "انتخابات": رسوایی بزرگ جمهوری اسلامی

صفحه ۴

رحمان حسین زاده

چهل و یک سال پس از قیام بهمن

در چهل و یکمین سال تولد جنبش آزادی زن

صفحه ۵

آذر ماجدی

۸ مارس، کدام آلترناتیو؟

صفحه ۷

پروین کابلی

روز زن و تحولات انقلابی در ایران

صفحه ۸

هاله طاهری

به بیژن زنگنه، مردم "عادت نمی کنند"، نابودتان میکنند!

صفحه ۱۰

سعید آرمان

از مرگ بر خامنه ای تا الغای مالکیت خصوصی

صفحه ۱۱

جاوید حکیمی

به بهانه تمدید بازداشت حمید نوری

صفحه ۱۲

مهدی طاهری

۵۳۱
مستقلی
کمونست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۲ اسفند ۱۳۹۸ - ۲۱ فوریه ۲۰۲۰

مضحکه انتخابات

شکست خورد!

روز دوم اسفند مردم آزادیخواه ایران یک تودهنی مُحکم به خامنه‌ای و "حُکم شرعی" اش زدند. برای ما تردیدی وجود نداشت که مردمی که خیزشهای انقلابی آبانماه را پشت سر گذاشته اند، حاضر نیستند به نمایش مُضحک انتخابات مجلس قاتلین و ابواب جمعی جمهوری اسلامی مُهر تائید بزنند یا وَقی به منطق ارتجاعی و پیش و پا افتاده اصلاح طلبان و اعتدالیون بگذارند. بهزاد نبوی از پیشکسوتان چماقداری در ایران از مردم خواست که به "لیست مشترک اصلاح طلبان و اصولگرایان" رای بدهند. خاتمی و روحانی و کل نیروهای جمهوری اسلامی بسیج شدند تا با تبلیغات عوامفریبانه تنور این بساط را گرم کنند. خامنه ای در راس حکومت از "وظیفه و حکم شرعی" برای شرکت در این مضحکه سخن گفت. سران حکومت به هر ریسمان پوسیده ای از "ایرانیت" و تعصبات عقیمانده ناسیونالیستی تا "شرع و دین" چنگ انداختند که عده‌ای را پای صندوقها بکشاند. کاندیداها هزینه های نجومی برای تبلیغات کردند. این مرتجعین ضد جامعه و آدمکش که میدانند اکثریت عظیمی در فقر و فلاکت و گرسنگی و بیکاری و نداری دست و پا میزنند، تلاش کردند با راه انداختن "ایستگاههای صلواتی" رستورانهای خیابانی و تقسیم غذا و ارائه خدمات مجانی تا موزیک

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مضحکه انتخابات

شکست خورد ...

و دلک بازی و تغییر فضای شهرها با نصب پوستر و بنر و بیلبورد توجهی جلب کنند.

واکنش مردم اما صریح و بدون ابهام بود: یک "نه" مُحکم به مُحکمی جنبش آبانماه! زدن یک تودهنی درخور به خامنه‌ای و خاتمی و روحانی و سران ریز و درشت حکومت! جنبش علیه حکومت قدرتمند و ریشه دار بود و تبلیغات دستوری و حکومتی تاب مقاومت در مقابل آنرا نداشت. با تحرک گسترده‌ای که علیه مضحکه انتخابات شکل گرفت؛ از ابراز علنی مخالفت و خواست سرنگونی و سخنرانی و آژیتاسیون علیه کاندیداها و برهم زدن قاطع مناسک‌های تبلیغاتی تا شعار نویسی گسترده "رای من سرنگونی"، "رای بی رای"، "مرگ بر خامنه‌ای"، از پاره کردن تبلیغات رژیم تا به آتش کشیدن بوردهای تبلیغاتی و در مواردی زیادی هو کردن و بیرون انداختن کاندیداها از محل زندگی خود، نشان داد این مردم عصبانی‌تر از این حرفها هستند. و بالاخره امروز جمعه دوم اسفند ماحصل این تحرک خود را نشان داد؛ جمهوری اسلامی یک شکست مفتضحانه خورد. از آنجا که سونداژهای حکومتی هفته قبل از این نتیجه آگاه بود، خود را برای حداقل میزان شرکت آماده کردند. از اظهارات کنخدانی سخنگوی شورای نگهبان روشن بود که میزان رای سازی و تقلب و دامنه اعلام رای از پیش تعیین شده است. خامنه‌ای صریحاً اعلام کرد "نگران نباشید"، یعنی ما در تقلب تجربه داریم.

اما لازم نبود که تا روز دوم اسفند منتظر بمانیم که این نتیجه را ببینیم، این شکست از روزهای قبل مُسجل شده بود و ما دو روز قبل آنرا اعلام کردیم. این "انتخابات" با تحرک اعتراضی گسترده مردم پیشاپیش مهر باطل خورده بود و اکنون خیل مزدوران دستچین شده برای کرسیهای مجلس لفت و لیس بیش از هر زمانی مورد انزجار و نفرت مردمند. این "مجلس" نیست، یک طویله اسلامی متشکل از قاتلین و شکنجه گران و تروریست‌های حرفه‌ای است. مجلس در جمهوری اسلامی همیشه بی‌خاصیت، نوکر اوامر خامنه‌ای و کارفرمایان بوده و مانند خود حکومت یک ذره مشروعیت ندارد. مضحکه انتخابات شکست خورد و مترسک‌هایی که بعنوان "نماینده" برای مجلس اوباش انتصاب شدند، از لایه‌های آخر دشمنان قسم خورده مردمی هستند که در آبانماه آمدند که بساط کل حکومت اسلامی را برچینند. جامعه اینان را شریک جرم قاتلین فرزندانشان و همکار اطلاعاتی‌ها و شکنجه‌گران می‌شناسد و به همین عنوان با آنها روبرو خواهد شد. این پیچ و مناسبت، که برای جمهوری اسلامی مهم و برای مردم فرعی بود، با پیروزی مردم رد شد و جامعه مجدداً سراغ مسائل اساسی‌اش مانند نان و دستمزد و مبارزه برای نفی این اوضاع می‌رود.

تلاش برای سرنگونی رژیم اسلامی مدتهاست که بطور جدی آغاز شده

و بطریق اولی شکست مفتضحانه انتخاباتی یک محصول شکست و بن بست تمام عیار حکومت اسلامی است. مضحکه انتخابات شکست خورد و هیچ تلاش حکومتی نمیتواند این حقیقت را بپوشاند. این شکست حکومت در عین حال یک پیروزی برای مردمی است که گلوله و کشتار و زندان و شکنجه‌های سبعمانه نتوانست عزمشان را درهم شکند. از این واقعه حکومت اسلامی

ضعیف‌تر، مشتت‌تر، مفلوک‌تر و بی اعتبارتر بیرون آمد و متقابلاً اردوی آزادیخواهی و جنبش انقلابی برای سرنگونی حکومت قدرتمندتر و متحدتر از این آزمایش بیرون آمد. این واقعه بار دیگر نشان داد که سیاست و تاکتیک رادیکال تا چه اندازه مُنطبق با نیازهای مبارزه امروز و واقعیات سیاسی جامعه ایران است. در فردای مضحکه انتخابات مجلس، ما در شرایط بهتری قرار داریم و رژیم در شرایط بدتری. باید حسابمان را با مجیزگویان این نمایش، نمایندگان حکومت گمارده و کسانی که با وقاحت بر زخم مردم نمک پاشیدند نیز روشن کنیم. صف‌ها هر روز شفاف‌تر میشوند، دوستان و دشمنان مردم و آزادی هر روز بیشتر خود را نشان میدهند. تلاش و مبارزه برای سرنگونی انقلابی را گسترش دهیم.

سردبیر.

۲ اسفند ۱۳۹۸

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

**8 March,
International Women's Day**

**8 March 2020,
a call for the
overthrow of
Islamic Republic!**

Iran 1979

مرگ بر جمهوری اسلامی!

اعلامیه حزب حکمتیست

تهدید اپیدمی ویروس کرونا،

جمهوری اسلامی مسئول یک جنایت بزرگ سازمانیافته است

مرکز خبری حزب حکمتیست

تعرض به مضحکه انتخابات وسیعاً در جریان است!

کارنوال جنایتکاران را روی سرشان خراب کنیم!

در هفته اخیر تعرض جوانان انقلابی به ستادها، مراکز تبلیغاتی مضحکه انتخابات، پاره کردن و آتش زدن بیلبوردها وسیعاً در سراسر ایران در جریان است. اخبار تاکتونی از بهم زدن یک ستاد انتخاباتی در شیراز و گوشمالی وابستگان حکومتی، برهم زدن یک ستاد انتخاباتی در مهاباد، تعرض به هواداران سید راضی نوری دشمن کارگران هفت تپه و کاندید شهرستان شوش در روستای شیخ حسن، آتش زدن محل‌های نصب پوسترهای انتخاباتی در سقز، پاره کردن وسیع پوسترهای انتخاباتی در سنندج، آتش زدن بیلبوردها و پاره کردن پوسترها در مریوان، کندن و پاره کردن پوسترها در دزفول، تهران، خرم آباد، اصفهان و شهرهای دیگر، شعارنویسی علیه مضحکه انتخابات با عنوان "رای من سرنگونی است" و "رای نمی دهم" در شهرهای ایران وسیعاً در جریان است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به جوانان و زنان و مردان انقلابی درود میفرستد. همه جا پوسترها و بیلبوردها را پاره کنید، آتش بزنید؛ به کاندیداها اخطار دهید، مناسک انتخاباتی را در شهر و روستا بهم بریزید، فضای اعتراضی را گسترش دهید و مضحکه انتخابات را بر سرشان خراب کنید!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۹ بهمن ۱۳۹۸ - ۱۸ فوریه ۲۰۲۰

تحصن کارگران کنتور سازی قزوین

امروز سه شنبه ۲۹ بهمن، از حوالی ظهر کارگران شرکت کنتور سازی قزوین در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مطالبات ۲۹ ماهه خود در مقابل مسجد شیخ الاسلام در خیابان شهدای قزوین دست به تحصن زدند. این کارگران در سال جاری که رو به اتمام است، فقط دو ماه و نیم حقوق به حسابهایشان واریز شده است و کارفرمایان و مسئولین استان و نهادهای ذیربط تاکنون پاسخی به اعتراضات و مراجعات مکرر کارگران نداده اند. جمالی پور استاندار قزوین بیشرمانه گفته است که "کارگران کنتور سازی تا فردا صبح هم در مسجد بنشینند ما در جمع کارگران حضور پیدا نمیکنیم!"

کارگران راه آهن، شهرداریها، صنایع و مراکز کارگری مختلف با حقوقهای معوقه و بالا کشیده شده روبرو هستند. تحصن، تظاهرات، درگیر کردن خانواده‌ها، حمایت مراکز کارگری شهر و منطقه اشکال مبارزاتی هستند که میتواند حکومت اسلامی کارفرماها را تحت فشار قرار دهد. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست از اعتراض برحق کارگران کنتور سازی قزوین حمایت میکند و کارگران و مردم آزادیخواه قزوین را به حمایت از آنها فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۹ بهمن ۱۳۹۸ - ۱۸ فوریه ۲۰۲۰

اخبار جدیدی منتشر شده از شیوع ویروس کرونا در ایران نگرانی های جدی بوجود آورده است. مرگ دو بیمار مبتلا در قم تأیید شده و اظهارات و گزارشهای غیر رسمی پزشکان از گسترش بیماری به شهرهای تهران، البرز و شهرهای شمال ایران سخن میگویند. رضا قدیر، رئیس دانشگاه علوم پزشکی قم در حالی دیروز چهارشنبه ۳۰ بهمن خبر مرگ دو بیمار مبتلا به کرونا را تأیید کرد که یکروز قبل شیوع این بیماری در شهر قم را نادرست خوانده بود. همینطور نامه هائی بین سعید نمکی وزیر بهداشت و درمان و رحمانی فضلی وزیر کشور رد و بدل شده که از سکوت عامدانه در باره شیوع بیماری کرونا بدستور خامنه ای بنا به مصالح مضحکه انتخابات سخن میگوید. یک نامه دیگر قاسم جان بابائی معاونت وزارت بهداشت در تاریخ ۲۳ بهمن به حسن روحانی و دستگاههای ذیربط از شناسایی ۴۵ فرد مبتلا شده به ویروس کرونا و مرگ ۴ نفر سخن میگوید. هرچند وی این نامه را تکذیب کرده اما سخنان پزشکان در باره اوضاع وخیم در شهرهای مختلف و فقدان امکانات از جمله کیت‌های تشخیص بیماری و تجهیزات مربوط به کنترل برای شناسایی مبتلایان و قرنطینه بیماران برای جلوگیری از شیوع آن، مسئله را فوق العاده جدی میکند. این نگرانی وقتی جدی تر میشود که پزشکان و بیمارستانها بدستور مقامات وزارت بهداشت حق کنترل بیماران تنفسی را بدلیل "ایجاد وحشت در جامعه" نداشتند و تست بیماری را ممنوع کرده بودند. وضعیت نه فقط در شهر قم بلکه در شهرهای دیگر ایران "بد" توصیف شده است. این فاجعه در ایران در شرایطی رخ میدهد که کشورهای دیگر بطور اوزانسی تمام امکانات خود را برای کنترل و مقابله با شیوع این ویروس بکار گرفته اند و هنوز مخاطرات آن منتفی نشده است.

مقامات حکومت اسلامی بدستور خامنه ای آگاهانه و عمدانه و بدلیل ملاحظاتی مانند بسیج برای شرکت در تظاهرات ۲۲ بهمن و مضحکه انتخابات بار دیگر در باره یک خطر عظیم یعنی اپیدمی کرونا به جامعه ایران دروغ گفتند. این صرفاً دروغگوئی و پنهانکاری رایج حکومتی در قبال شهروندان نیست بلکه یک جنایت سازمانیافته و عمدانه است. این اقدام ردیف کشتار جمعی و عمل کثیفترین جنایتکاران تاریخ علیه شهروندانی است که علی‌القاعده و بنا به تعریف دولت در قبال آنها مسئول است. این اقدام جمهوری اسلامی و خامنه ای از جنس هولاکاست و تروریسم کور است. پزشکان و پرسنل مطلع پزشکی که با هر ملاحظه ای سکوت میکنند، خواسته یا ناخواسته به گسترش این فاجعه انسانی نیرو میدهند. دولت و نظام اسلامی و در راس آن خامنه ای تماماً مسئول خطر اپیدمی کرونا و عواقب فاجعه بار آن هستند. افشا و اطلاع رسانی در باره این تراژدی در ایران وظیفه کلیه کسانی است که نسبت به هموعان خود و حق سلامت و زندگی آنان احساس مسئولیت میکنند. سرنگونی فوری این نظام کثیف و مملو از جنایت تنها راه خلاصی مردم ایران است. واکسن ویروس و ماشین کشتار جمهوری اسلامی در دست کارگران و مردم انقلابی است، باید هرچه سریعتر این عفونت تاریخی را بخشانیم و مسئولین چهار دهه جنایت را در دادگاههای مردمی محاکمه کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱ اسفند ۱۳۹۸ - ۲۰ فوریه ۲۰۲۰



نمایش "انتخابات": رسوایی بزرگ جمهوری اسلامی

رحمان حسین زاده

شرایط مشخص امسال و همین فردا دوم اسفند بر سرشان خراب و به روز اعتراضات گسترده تبدیل میکنند".

به گفته فرماندهی تامین امنیت صندوقهای مضحکه "انتخابات"، سیصد هزار نفر نیروی نظامی و انتظامی را گسیل داشتند و در سطح شهرها مستقر کردند. یعنی با اتکا به نیروی سرکوب مانع اعتراضات مردم علیه این بساط و جمهوری اسلامی شدند. اما هر ناظرآگاه میدانند بساط بی رونق و شرکت نکردن وسیع توده ای در آن، رسوایی بزرگ و ناکامی بزرگ برای جمهوری اسلامی و قدم مهم دیگری در گردآوری نیرو برای سرنگونی نظام نکبت اسلامی است.

امروز جمعه دوم اسفند، جمهوری اسلامی کارناوال "انتخابات" را با بی رونقی برجسته برگزار کرد. این مساله قابل پیش بینی بود. در یادداشت دیروز نوشتیم، "بساطی به نام "انتخابات" در ۴۱ ساله عمر جمهوری اسلامی همیشه مضحکه بوده است. اما اینبار و پیشاپیش به اذعان خودی ترین خودپهانشان مضحکه تر از همیشه و بساطی بی رونق و شکست خورده است. به دلیل معضلات و بحرانهای عمیق گریبانگیر نظام و بویژه زیر ضرب اعتراضات کوبنده کارگران و مردم برخلاف دوره های قبل تا دو سه هفته قبل، از مناسک معماری شده و به اصطلاح کمپینهای کاندیداهای معلوم الحال خبری نبود. شروع مناسک با حذف وسیع "اصلاحیون و اعتدالیون" بعضا تاکنون مجلس نشین رقم خورد. داد و فغان "آبدارچی" نظام رئیس جمهور بنفش و دیگر مهره های جناح "سوپاپ اطمینان" نظام به جایی نرسید. واضح است هدف فوری خامنه ای و سران سپاه و سکانداران اصلی نظام، درست همانند همه رژیمهای استبدادی و خشن و تا مغز استخوان ضد مردم یکدست کردن سه قوه و کل سیستم اداری، نظامی و سیاسی حکومت در قالب "هسته سخت قدرت" برای مقابله با موج گسترده و بنیان برافکن اعتراضات توده ای در سیر تحولات پیش رو است. اینها هم تجربه شکست خورده همه سیستمهای استبدادی در واپسین مقاطع حکومت داریشان را تکرار میکنند و در آینده ای نه چندان دور، شاهد شکست و سرنگونی قطعی نظامشان خواهند بود.

روزهای اخیر و در جریان تعرض مردم معترض و نسل جوان به ستادهای مراکز تبلیغی، پاره کردن پوستر و بنر و سوزاندن بیلبوردهای بساط انتخابات، بیرون راندن و رسوا کردن مهره های کاندید شده در تعدادی از گردهمایی ها، جمهوری اسلامی نشانه های اولیه رسوایی و بی پایگی مضحکه شان را تجربه کرد. خود میدانند این بار این بساط بی رونق با تنفر و انزجار عمیقتر و عمومی تر توده مردم روبرو است. برخلاف پروپاگاندا خامنه ای، این سردرسته جلادان مبنی بر دعوت "جهادی" به شرکت در انتخابات، سخنگوی شورای نگهبان به عدم شرکت توده ای اکثریت مردم، اذعان کرده و برخلاف گذشته آمارهای زیر ۵۰ درصد را هم نشانه موفقیت میدانند. آمارگیریهای درون کشوری و جعلی شان معترف است که در تهران بزرگ و شهرهای بزرگ در ابعاد ۷۵ درصدی مردم تصمیم به شرکت ندارند. شرکت نکردن توده ای در این معرکه گیری بعد از خیزشهای توده ای آبانماه، سیلی محکم دیگری به صورت جمهوری اسلامی و در راس آن خامنه ای است، اما کافی نیست. تجربه نشان داده و ما هم همیشه تاکید کردیم، در قبال رژیمی نظیر جمهوری اسلامی سیاست تحریم پاسخگو نیست. اینگونه انتخابها مادون تحریمند. نیرویی که قصد سرنگونی کل یک رژیم سیاسی را دارد، نیرویی که در جنگ با یک رژیم بسر میبرد، انتخابات مراجع آن رژیم را نه تحریم، افشا میکند، طرد و رسوا و در



یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه بیکاری مکفی برای تمام افراد آماده به کار!

چهل و یک سال پس از قیام بهمن

در چهل و یکمین سال تولد جنبش آزادی زن

آذر ماجدی

از قیام ۲۲ بهمن تا ۸ مارس که زنان در اعتراض به فرمان خمینی بر اجباری کردن حجاب اسلامی به خیابان ها آمدند فقط سه هفته طول کشید. قیام در طرح آلترناتیو سازی دولتهای غربی برای جانشینی رژیم سلطنت با یک رژیم اسلامی قرار نداشت. قرار بود ارتش به دست بوسی خمینی برود و دو نظام در "صلح و صفا" دست بدست شوند. قیام محصول جنبش آزادیخواهان و چپ و کمونیستی بود. قیام رهبران ارتجاع اسلامی و امپریالیستی را غافلگیر کرد. قیام در عین حال جامعه را قطبی تر و بخشی را انقلابی تر، رادیکال تر، جسورتر و حق بجانب تر نمود. قیام هشدار می داد که حکومت شان در تحلیل نهایی نیازمند سرازیر کردن رودهای خون است. آزاد کردن زندانیان سیاسی بر دوش انقلابیون همچون قهرمانان محبوب مردم، برنامه های توافق شده را مختل کرد. برای ضد انقلاب اسلامی روشن شد که دولت بازرگان فقط می تواند یک پاسخ کوتاه مدت انتقالی باشد. حتی اگر در ابتدا نقشه تبدیل قم به واتیکان و خمینی به پاپ برای طراحان ضد انقلاب می توانست یک روایت واقعی باشد؛ بدنبال شکل گیری قیام بدست آزادیخواهان و کمونیست ها این روایت باید بلافاصله بایگانی می شد. بدنبال تلاش برای محکم کردن پایه های نظام اسلامی، زنان اولین هدف بودند. اسلام در طول تاریخ و در زندگی روزمره با بردگی زن، حجاب و آپارتاید جنسی تداعی شده و می شود. لذا اولین یورش سیاسی - ایدئولوژیک می بایست به زنان باشد.

از اینرو بود که روز ۸ مارس، روز جهانی آزادی زن، یک روز تاریخی کمونیستی، بعنوان روز یورش در نظر گرفته شد. سازمان های چپ و زنان فعال کمونیست با شور و هیجان با استقبال اولین ۸ مارس در آزادی می رفتند. حداقل ۶ مراسم مختلف ۸ مارس برای این روز در تهران سازماندهی شده بود. پوسترهای ۸ مارس در گوشه و کنار به درخت و دیوار کوبیده شده بود. رژیم اسلامی که هنوز رسماً به جمهوری اسلامی بدل نشده بود، زنگ های خطر ۸ مارس را شنید. روز ۱۷ اسفند برابر با ۸ مارس ۵۷ در اخبار ساعت ۶ صبح رادیو فرمان خمینی اعلام شد: زنان شاغل در مشاغل دولتی باید حجاب برسر کنند. و باین ترتیب بود که این روز در تاریخ نه تنها ایران بلکه در تاریخ جنبش حق زن جهانی ثبت شد. هزاران زن زیر بارش برف شدید به خیابان آمدند؛ دانشگاه تهران نقطه اجتماع چپ ها و کمونیست ها، محل فروش کتاب های جلد سفید، بحث های داغ درباره محتوای انقلاب، سوسیالیسم، مارکسیسم، بورژوازی ملی و دولت ملی ... به نقطه نهایی این راهپیمایی بدل شد. حزب الله که هنوز بطور رسمی شکل نگرفته بود به زنان معترض گلوله های برف همراه با سنگ پرتاب می کردند؛ زهرا خانم یکی از محصولات دفاعی - تعرضی رژیم به این تظاهرات زنان برای آزادی بود.

تظاهرات زنان در اعتراض به فرمان اجباری شدن حجاب اسلامی شکل گرفت؛ اما به این خواست محدود نماند. چهل سال پیش زنان در

ایران فریاد زدند: "حقوق زن نه شرقی، نه غربی، جهانی است!" این موضع پیشرو یک دهه بعد در غرب نیز زیر سوال رفت؛ مقوله ارتجاعی "نسبیت فرهنگی" به یمن تفوق گفتمان پست مدرنیستی و فعالیت های زیرکانه جمهوری اسلامی به گفتمان حاکم در جنبش فمینیستی و دموکراسی طلبانه بدل شد. ما فعالین جنبش آزادی زن در غرب نیز در مقابل جنبش اسلامی که در موضع دفاعی "نسبیت فرهنگی" به تعرضات خود ادامه می داد، ایستادیم.

دور اول مبارزه علیه حجاب و تبعیض حدود یک هفته بطول انجامید؛ تحصن در دادگستری یک لحظه مهم دیگر این رویداد تاریخی بود. میتینگ در زمین چمن دانشگاه تهران که زنان جوان و دختران نوجوان با شور و هیجان برای آزادی و برابری شعار می دادند، بالاخره دولت را به عقب نشینی وادار کرد. حمله بعدی چند ماه بعد توسط بنی صدر انجام گرفت. میتینگ ها، نشریات زنان، فعالیت های سازمان های زنان، که همگی چپ بودند، تا سی خرداد ۶۰ ادامه داشت. یک کنفرانس بزرگ توسط سازمان های زنان در زمستان ۵۹ در دانشکده پلی تکنیک سازمان یافت که با حمله حزب الله مواجه شد.

جنبش آزادی زن در ایران پس از سرکوب خونین دهه شصت زیر زمینی شد؛ لیکن تقابل های فردی زنان برای حق انسانی خود هیچگاه خاموش نشد. شلاق، زندان، اعدام و سنگسار نتوانست خواست و نیاز زنان جوانی که وارد زندگی اجتماعی می شدند را خفه کند. نسل جوان، زن و مرد، به صفوف مبارزه برای آزادی زن و تساوی زن و مرد پیوستند. پاسخ به این جنبش جوان، مدرن و آزادیخواه که سر کوتاه آمدن نداشت یکی از مبانی سربرآوردن جنبش ملی - اسلامی دو خرداد و اصلاح طلبی حکومتی است. و مصاف جنبش آزادی زن با حکومت اسلامی از یکسو و تلاش های مذبوحانه اصلاح طلبان حکومتی که از سال ۷۶ تحت نام دو خرداد تولدشان بطور رسمی اعلام شد تاکنون به اشکال مختلف ادامه یافته است.

اصلاح طلبی حکومتی و جنبش آزادی زن

نقش اصلاح طلبان حکومتی، که رهبرانشان از سردمداران سرکوب انقلاب در سالهای اولیه و جنایتکاران و شکنجه گران دهه شصت بودند، نه آنگونه که تلاش می شد جلوه داده شود: اصلاح رژیم، بلکه عقب نشاندن جنبش های اجتماعی ای بود که خود را سازمان می دادند و برای بدست آوردن حقوق و آزادیهای مدنی و سیاسی بمیدان می آمدند. هدف این جنبش حفظ جمهوری اسلامی بود. یکی از جنبش های اصلی که می بایست عقب نشاند می شد، جنبش حق زن بود. جنبش آزادی زن از همان ابتدای شکل گیری رژیم اسلامی بعنوان آنتی تز آن متولد شده بود؛ خصوصت جنبش آزادی زن با جمهوری اسلامی سازش ناپذیر است. آزادی زن و جمهوری اسلامی قادر به همزیستی نبوده و نیستند. در پاسخ به این معضل پایه ای، جنبش "کنشگران حوزه زنان" ملی - اسلامی ها شکل گرفت. جنبشی که تمام هم و غمش کند کردن تحرکات جنبش آزادی زن و به عقب کشیدن آن بوده است. دست انداز ایجاد کردن در مقابل جنبش آزادی زن، مهمترین هدف این جنبش است. انداختن این جنبش در راه های انحرافی و بیحاصل کارنامه این جنبش ارتجاعی است؛ از جمله تحرکات پر سر و صدای آنها، عزیمت به مجلس اسلامی و

چهل و یک سال پس از قیام بهمن

در چهل و یکمین سال تولد جنبش آزادی زن ...

استغاثه برای ممانعت از لغو اصلاحیه "قانون حمایت خانواده" شاه به تعدد زوجات؛ (دریافت اجازه همسر اول برای اختیار کردن همسر دوم) ، دریافت دیه برابر برای زن و مرد، تعیین روز ملی زنان بجای روز جهانی زن، ۸ مارس، کمپین انتخاباتی برای خاتمی، رفسنجانی، موسوی و روحانی است. الحق و الانصاف که کارنامه با شکوهی است!

رهبر سازی دولت های غربی

باید توجه داشت که جنبش آزادی زن تنها با تهاجمات و توطئه های اصلاح طلبان حکومتی و ضد انقلاب وطنی روبرو نیست؛ در سطح بین المللی، دولت های غربی با کمک نهادهای حقوق بشری، جایزه نوبل، سازمان ملل و رسانه های متبوع خود دائما در حال ستاره سازی، رهبر سازی و لانسه کردن این جنبش ارتجاعی هستند. اعطای جایزه نوبل به شیرین عبادی بعنوان مدافع حقوق زن در "دنیای اسلام" اولین اقدام پر سر و صدای غرب بود. رسانه های فارسی زبان این دولت ها عملا به سخنگوی این جریان بدل شده اند. و بالاخره در چند سال اخیر یک زن دو خردادی، نوچه خاتمی را بعنوان "رهبر" زنان علم کرده اند.

چهره های دو خردادی و جنبش اصلاح طلب حکومتی سبز گروه گروه به خارج آمده اند و بساط و دکانشان را در غرب پهن کرده اند. با یک حرکت برنامه ریزی شده دولتهای غربی افرادی از این باند را دستچین کرده اند و با اعطای جایزه، در اختیار گذاشتن پلاتنوم های سازمان ملل، عفو بین الملل، سازمان های حقوق بشری و غیره آنها را لانسه کرده اند؛ در رابطه با جنبش آزادی زن قرعه به نام مسیح علینژاد افتاد؛ این نوچه خاتمی و از کارگزاران رژیم به انگلستان اعزام شد. این خانم محجبه بعد از مدت کوتاهی کلاه را جانشین چارقد کرد؛ بعد که جنبش آزادی زن پیشروی های بیشتری کسب نمود و وضعیت جمهوری اسلامی لرزان تر شد، کشف حجاب کرد. طی ۴ - ۵ سال گذشته جایزه ای نبوده که به او نداده باشند؛ رسانه های خود را در اختیارش قرار داده اند؛ رسانه های بستر اصلی از جمله سی ان ان، تلویزیون فرانسه و قس علیهذا با او بعنوان "رهبر و نماینده جنبش آزادی زن" در ایران مصاحبه کرده اند؛ اخیرا حتی نشریه وُگ (Vogue) نشریه مد طبقات بالا عکس بزرگ او را چاپ کرده است! با پمپو ملاقات کرده و عکس دو نفره گرفته اند؛ به کنفرانس داوس دعوتش کرده اند!

اگر پیش از این هدف غرب حفظ رژیم اسلامی با تغییراتی بود؛ طی دو سال اخیر که جنبش توده ای مردم و جنبش کارگری به میدان آمده اند، آلترناتیو سازی راست ضد انقلابی هدف این تحرکات است. و در هر دو فاز این تحرکات در هماهنگی با اصلاح طلبان حکومتی و با همیاری آنها انجام گرفته است. چند سالی است که هر از چند گاهی کنفرانسی با شرکت دست راستی های اسلامی، اکثریتی- توده ای و رژیم سابقی تشکیل می شود تا به یک سازمان و برنامه مشترک دست یابند؛ هر بار هم به جان هم میافتند و روز از نو و روزی از نو. طی

دو سال اخیر عنوان این کنفرانس ها از "اصلاح" رژیم اسلامی به "مدیریت گذار مسالمت آمیز" از جمهوری اسلامی تغییر یافته است؛ چندین دکان با اسم تشکیلات ساخته اند، قفتوس و فرشگرد که به فراموشی سپرده شدند و شورای مدیریت گذار؛ اما شرکت کنندگان همان دست راستی های سابق اند. رهبر سازی یک بخش مهم آلترناتیو سازی ضد انقلابی است. چهره های دستچین شده غرب مورد تست و آزمایش قرار گرفته اند و بالاخره بنظر میرسد که قرعه بنام عده ای خورده است. فینالیست های رهبری غرب گمارده برای زیارت کاخ سفید صف کشیده اند؛ یکی پس از دیگری عکس هایشان با پمپو و پنس را منتشر می کنند و انتخاب شان برای شرکت در طرح "رژیم پنج" آمریکایی را جشن می گیرند. در "حوزه زنان" قرعه بنام نوچه خاتمی، مسیح علینژاد، افتاده است؛ عکس با پمپو، این انتخاب را رسماً اعلام کرد.

پرونده جنبش اصلاح طلب حکومتی برای ما کمونیست های کارگری روشن بوده است؛ اهدافشان را بارها و بارها افشاء کرده ایم؛ هشدار داده ایم؛ و اکنون این عکس برای ما صرفا مهر تائیدی بر فعالیت هایمان در این عرصه است. ما با تمام قوا در مقابل هر نوع آلترناتیو سازی دست راستی خواهیم ایستاد. جامعه نیز هشیار تر از آنست که بتوان توطئه سال ۵۷ را به آسانی تکرار کرد. برای همین است که دو سال است حرارت آب را تست می کنند؛ این پا و آن پا می کنند؛ سازمان های مختلف می سازند؛ اما هنوز موفق نشده اند که یک آلترناتیو شکل دهند. ورود طبقه کارگر با قدرت و رادیکالیسم به میدان مبارزه، کارشان را صد بار سخت تر کرده است. افشای بی امان طرح های ضد انقلابی دولت های غربی و نیروی ضد انقلاب وطنی، آماده سازی مردم و طبقه کارگر برای مقابله با هر طرح آلترناتیو سازی ضد انقلابی، تلاش برای سازماندهی شورایی مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی در دستور کار ماست.

این ضمنا هشدار است به نیروهایی که "آزادی های یواشکی" و "چهارشنبه های سفید" را در بوق کردند؛ دفاع از این مهره دست راستی اصلاح طلبان حکومتی را با آزادیخواهی و برابری طلبی در تناقض نیافتند؛ حتی از عکس علینژاد و پمپودفاع کردند و مفتضحانه اعلام نمودند: ملاقات با پمپو که جنایت نیست، لنین هم با کمک دولت آلمان به روسیه بازگشت.

اما توازن قوای سیاسی- طبقاتی در جامعه عمیقاً تغییر کرده است. دانشجویان آزادیخواه و انقلابی پاسخ دندان شکنی به این آلترناتیو سازی ها و رهبر علم کردن ها دادند. آب پاکی را روی دست همه شان ریختند و موجب خشم جریانات چپی شدند که سنگ آلترناتیو راست را به سینه می زنند. رژیم پنج هنوز در دستور غرب قرار دارد؛ اما کار ساده ای نیست. در ۸ مارس امسال باید با صدای رسا خواهان تمام آزادی و برابری شویم و یکبار دیگر پاسخ دندان شکنی به این بازیگران دست راستی سناریوی رژیم پنج دهیم.*

زندانی سیاسی

آزاد باید گردد!

۸ مارس، کدام آلترناتیو؟

پروین کابلی

ما در شرایطی امسال به پیشواز ۸ مارس میریم که جامعه ایران از نظر سیاسی دوران پرتلاطمی را از سر میگذارند. آنچه که مشخصه ایندوره میباشد احزاب و جریانات سیاسی بیش از پیش در صحنه سیاست با برنامه و عمل خود در مقابل جامعه قرار میگیرند و این سوال برای مردمی که در این تغییرات نقش بازی میکنند و خیابانها را تصرف میکنند مطرح است که کدام حزب و برنامه میتواند منشا تغییراتی اساسی در زندگیشان باشد. برای طبقات مختلف طبعا این سوال استنتاجات مختلف دارد. اگر چه این جنبش، جنبشی برای سرنگونی است اما از هم اکنون گروههای اجتماعی و طبقات در مقابل هم صف آرائی میکنند. هرچه که این پروسه بیشتر پیش میرود راست و چپ جامعه بیش از پیش در ترازوی قضاوت قرار گرفته اند. مردم انتخاب میکنند.

یکی از نیروهای اصلی جامعه ایران در این تغییرات پایه ای زنان میباشند. در دنیای امروز این زخم که زنان نابرابرند و بدلیل زن بودن مورد ستم قرار میگیرند بر تن همه جوامع دنیا دیده میشود. هیچ جامعه ای را نمیتوان یافت که دیگر سخن از ستم بر زن را کنار گذاشته باشد و نابرابری داستان و قصه "دیو و پلیدی" باشد. چهار دهه سرکوب و جنایت بر علیه زنان و پتانسیل عظیمی که زنان در این مدت در مبارزه بر علیه قوانین آپارتاید جنسی پیش برده اند، زنان را به یکی از نیروهای مهم در این تغییرات بدل نموده است. مقابله رو در رو با یکی از ضد زن ترین و خشن ترین حکومتهای دنیا یکی از خصوصیات ویژه جنبش آزادی زن در ایران است. سرکوب و غارت، فقر و تنگدستی، آزار سیستماتیک جنسی و روانی و قوانین نابرابر نتوانسته است این جنگی را که زنان از همان روز اول سرکار آمدن رژیم اسلامی آغاز کردند، خاموش کند.

در دو دهه اخیر و بویژه در دیماه ۱۳۹۶ و آبان ۹۸ و ۱۶ آذر امسال برجستگی و نقش رهبری زنان کاملا مشهود بود و بروشنی دیدیم که این جنبش بیش از هر زمان دیگری در عین مقابله با سرکوب با شعارهای روشن طبقاتی تعیین خود را از این روند بیان کرد. رجوع به شعارهای این دوره نشان میدهد که این جنبشها بشدت ضد رژیم اسلامی و ضد نظام سرمایه داری و نابرابری و تبعیض هستند. تصویر واقعی سالهای اخیر اینست که امروز نمیتوان امر مبارزه برای برابری را فقط امر زنان دانست. جنبش برابری زن در جامعه ایران جدا از جنبش برای رفاه و آزادی و برابری همگانی نیست. وقتی زنان در صفوف اول مبارزات کارگری قرار میگیرند و یا دانشجویان شعار نه به آپارتاید جنسی را فریاد میزنند و بنرهای "فرزند کارگرانیم، کنارشان می مانیم" را حمل می نمایند، نشان میدهد که جنبش برابری طلب بیش از هر دوره ای براین امر واقف و آگاه است که بدون یک چشم انداز

سوسیالیستی و کارگری نمیتواند آزادی بيقد و شرط را در جامعه امکانپذیر سازد. ما کمونیست ها اعتقاد عمیق داریم که بدون آزادی زن، آزادی جامعه امکانپذیر نیست. آیا این خواست ما و عدالت و رفاه و برابری برای جامعه میتواند ما را در مقابل جریانات و گرایشات و جنبشهای دیگر که بر نقش مهم زنان در سرنگونی آگاهند واکسینه کند و سیستم دفاعی جنبش ماکزیمالیستی را قوی کند؟

حقیقت این است که جنبش برابری طلب در ایران امروز بیش از هر دوره ای قدرتمند و محبوب است و با افتخار پرچم آزادی و برابری را در دست دارد. اما همین مخاطراتی در مقابلش قرار میدهد و وظایفی را در مقابل ما کمونیستها. یکی از خطرات احتمالی که در مقابل جنبش برابری طلب در ایران قرار دارد گرایش راستی است که در چهره ها و شخصیهایی نمود پیدا میکند که هدف اصلیشان رقیق نمودن اهداف پایه ای جنبش برابری زن و مرد است. جنبشی که تا دیروز در داخل کشور برای تغییرات قانونی چند میلیمتری کس و قوس میرفت و سماع میکرد، امروز تحت تاثیر و فشار زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب به ظاهر "رادیکال" شده است و با طرح شعارهایی مانند "نه به حجاب اجباری" تلاش میکنند رژیم را از زیر چنگ جنبشی که حجاب را نه فقط اجباری بلکه بعنوان سمبل و پرچم آپارتاید جنسی میشناسد، خلاص کنند. اینان میخواهند فراموش کنند که رژیم آپارتاید جنسی بنیادش با چسپاندن حجاب با پونز بر سر زنان و اسیدپاشی شروع شد. اصلاح طلبان و دوستان توده ای و اکثریتی آنها با نوشتن نامه به "دختران" میخواهند امروز در مقابل انقلاب بایستند و انقلاب را که در راه است از هم اکنون نفرین میکنند. نفرت خود را از انقلابی که در راه است با نفرت از انقلاب ۵۷ شروع میکنند. یادشان رفته که زنان ایران همان ۸ مارس ۵۷ اعلام کردند؛ "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم"، "ما خواستار حکومتی هستیم که بر اساس برابری زن و مرد باشد".

جنبش راست که امروز یک سرش در حکومت و جبهه ملیهای سابق و صدای قدمهایش در راهروهای سنای آمریکا در کنار باقیمانده سلطنت شنیده میشود، یکی از ترمزهای خطر جدی در مقابل جنبش برابری طلبی است که همین امروز با شعار "فقر، حجاب استعمار، آماج یک پیکارند" در خیابان است. این خطر در شرایط کنونی وظایفی بسیار جدی را در مقابل کمونیست ها قرار میدهد. تنزل خواست "نه به حجاب اسلامی" بعنوان یک از عرصه های مبارزه و جنگ علیه کلیت جمهوری اسلامی به "نه به حجاب اجباری" یکی این عرصه ها میباشد. انقلاب آتی انقلابی برای رهایی کامل و برابری است و این امر فقط با پیشروی و تحقق یک آلترناتیو سوسیالیستی امکانپذیر و ممکن است. پیروزی این جنبش برابری طلب فقط در گروه به قدرت رسیدن این آلترناتیو است.

اکنون دوره رفرم و تغییرات قدم به قدم و دوستی خاله خرسه با زنان نیست. جنبش برابری طلبی زنان فقط با سرنگونی

روز زن و تحولات انقلابی در ایران

هاله طاهری

عمارت چهل و یکساله جمهوری اسلامی در حال فرو ریختن است. زمینه های فروریختن آنرا مقاومت و اعتراضات مردم و جنبشهای درگیر از جمله کمونیستها، جنبش کارگری، جنبش آزادی زن و اعتراضات دانشجویان در ایران میسر کرده است. این رژیم با بحران لاینحل اقتصادیش، با سرکوب مستمر سیاسی و فرهنگی اش، با چهل و یکسال تجویز جهالت و بربریت در میان مردم، با صدها هزار اعدامی و زندانی و مفقود کردن فعالین سیاسی، با موج وسیع فقر و بیکاری، با بیمار کردن یک جامعه در ابعاد وسیع و به اعتیاد کشاندن میلیونها جوان در هیچ ظرفیتی قابل تحمل نیست.

هرچه جمهوری اسلامی جندالله و حزب الله به کشورهای منطقه صادر میکند، در مقابل جنبش کارگری، زنان و دانشجویان با پشتیبانی میلیونها انسان از داخل و خارج، صفوف کمونیستها و هوادارن آزادی و برابری مستحکمتر میشود. به قدمت همه آن سالها که به روی زنان اسید پاشیدند، زندانشان کردند، تجاوز و اعدام و جنایت و تحقیر و درندگی به خرج دادند، رژیم نتوانست استقامت مردم را درهم بشکند. جنبشهای برحق و فعالین آن چون فولاد آبدیده شدند. مردم جداسازی ها را در زمان حکومت آپارتاید اسلامی برهم زدند. زنان جوان قانون حجاب اجباری را به "بد حجابی" بدل کردند و در میداين و اماکن عمومی در حال برداشتن آن هستند. نفاق و دو دستگی در میان مردم راه انداختند، اما فعالین و مبارزین آگاه اتحاد را به خیابانها آوردند. کار عظیمی در این همه سالها انجام شد و اینرا فقط فعالین و جنبشهای کارگری، زنان و دانشجویان، جنبشی که سالهاست به جمهوری اسلامی "نه" میگوید ممکن ساخته است.

رژیم در دو سال آخر حیات ننگیش و در اعتراضات آبانماه وحشیانه به سرکوب هرگونه اعتراضی دست زد. به خیال باطلش میتواند مردم را به عقب نشینی وادارد ولی چنین نشد. در بحبوحه انتخابات، وقتی که قهر مبارزین تمامی ندارد قولهای سرخرمن به بخشی از جامعه از جمله زنان میدهند تا زنان را پای صندوق رای بیاورند. روحانی میگوید باید زنان در قانون گذاری مشارکت داشته باشند و زنان وزیر شوند. روزنامه نگاران مینویسند که یک سفیر زن در زمان روحانی به خارج کشور اعزام شد. بماند که وزیر و سفیر شدن در دولتهای اسلامی فرقی به حال و روز وضعیت اسفبار زنان در جمهوری اسلامی نمیکند. تنها جنسیت مجرمین و مسئولین جنایات علیه مردم بویژه زنان جابجا میشود.

جنبش آزادی زن جایگاه ویژه ای در این مرحله از تحولات سیاسی ایران دارد. در این چهار دهه از تاریخ ایران ما همچنین شاهد بودیم که طیف های متعددی از زنان که مستقیما از بدنه دولت و مجلس نبوده اما

در حاشیه حکومت زیسته اند، در دلانهای این عمارت ضد زن به دنبال معجزه "حق زن" بودند. زنانی که معتقد بودند وضعیت زنان در جمهوری اسلامی بهبود یافته یا در حال بهبود یافتن است. زنانی که فکر میکردند با لابی کردن با بخشی از رژیمها میتوانند حقوقی برای زنان دست و پا کنند. اینروزها این زنان در حال بازبینی



کارنامه چهل و یکساله خود هستند. خجولانه از چشم امید به یک رژیم جنایتکار بستن و تایید آن لیست ندامت نامه ها بالا میگیرد. تا همینجا که این طیف تصمیم به گسست از جمهوری اسلامی دارند ما آنرا بهتر از دفاع از جمهوری اسلامی میدانیم. هرچند واقفیم که این تغییر مکان بین دو جنبش ارتجاعی بورژوائی است، از ملی اسلامی ها می کنند و به ناسیونالیسم پرو غرب ملحق میشوند. دلیل اینکار صرفا اینست که بوی الرحمان رژیم اسلامی را شنیده اند. اما گناه تایید و دفاعشان از جمهوری اسلامی را بقدمت چهل و یکسال جنایت عریان باید به پای خودشان بنویسند نه "ما". شیرین عبادی یکی از آنهاست. ندامت نامه عبادی را حتما روی سایتهای ایرانی براحتی میتوان جستجو کرد.

در سالگرد انقلاب ۵۷ از این طیف انسانهای غیر مسئول میدیای ایرانی در خارج کشور را جذب کرده است. چه توبه کنندگان و چه رسانه های دولتی، جنبش آزادی و برابری، جنبش چپهای معترض به رژیم جمهوری اسلامی را مسئول فاجعه بسرکار آمدن این رژیم معرفی میکنند! برعکس، این جنبش ما بود که از روز اول به جمهوری اسلامی، این ارتجاع و محصول مشترک غزب و نیروهای اپوزیسیون اسلام زده "نه" گفت. ما کمونیستها، در کنار مبارزین چپ و فعالین آزادی و برابری برای یک لحظه این رژیم را تایید نکردیم و با آن جنگیدیم. سوال از عبادی این است که خاتم شما که بچه نبودید. ناسلامتی وکیل بودید. همانزمان من نوجوان و هزاران نفر چون ما نه گفتیم و ایستادیم، شخصا بخش زیادی از خانوادهام را در جنگ با این رژیم از دست دادم، سالها در صفوف رزمندگان در کردستان جنگیدم، سالها در خارج کشور علیه این رژیم جنگیدم و هنوز هم در جنگم. من و امسال من بسیار زیادیم. ما انتخاب خود را چنین کردیم. شما جمهوری اسلامی را مانند توده ای ها از روز اول انتخاب و یا تایید کردید. عیب بزرگتان خانم عبادی وقتی عیان شد که دو دهه بعد، بدنبال این همه جنایت رژیم، از سکوی جایزه صلح نوبل برای جمهوری اسلامی تبلیغ میکردید و میگفتید که "اسلام با دمکراسی مغایرت ندارد" و با این اظهارات هدفتان امتیاز خریدن برای جمهوری اسلامی از غرب بود. از کشوری آمده بود که هر روز آن حمام خون بود. ما در بیرون سالن جایزه صلح فریاد میزدیم مرگ بر جمهوری اسلامی، مسبب کشتار و جنایت، شما میگفتید که بیایید تا با اسلام و جمهوری اسلامی آشتی کنید. در ندامت نامه ات اشاره ای به این ندارید. این تغییر ریل و میانبر زدن از حقیقت، حقیقت آنطور که هست نه آنطور که شیرین عبادی ها میگوید را براحتی نمیتوان دور زد. ما اجازه نمیدهیم. اینجاست که مرور بر تجارب انقلاب ۵۷ ضرورت پیدا میکند.

زنان مبارز! فعالین خستگی ناپذیر!

نمیخواهیم" خیابانها را از دستشان در بیاوریم. پیام ما، از ایران تا هر کجای دنیا که هستیم همین است: مرگ بر جمهوری اسلامی! پیش بسوی انقلاب کارگری! پیش بسوی آزادی و برابری!

از امروز تا هشت مارس روزهای زیادی نمانده است. کارهای زیادی پیشارویمان است. این روز میتواند در تاریخ این تحولات بیاد ماندنی و بردستورد باشد. پیش بسوی اعتراضات و مراسمهای پرشکوه روز جهانی زن!

اول اسفند ۱۳۹۸

۸ مارس، کدام آلترناتیو ...

جمهوری اسلامی و در همراهی و همگامی با طبقات محروم جامعه میتواند برای رهایی و جامعه بدور از خشونت، عاری از ناموس پرستی، علیه تن فروشی برای رفع گرسنگی، و علیه تحقیر و بیحرمتی ذاتی این نظام غلبه کند. ۸ مارس امسال باید این آلترناتیو صحنه این جدال را بروشنی به تصرف خود درآورد و نشان دهد که زنان فقط همراه جنبش طبقه کارگر و زحمتکشان و ستمدیدگان میتواند متحدان خود را بیابد. راه دیگری وجود ندارد. زنده باد روز جهانی زن!



جنبش زنان و تحولات اخیر در ایران

سمینار روز زن در لندن

سخنرانان: نسرين ابراهيمي، آذر ماجدی و هلاله طاهری

جمعه ۶ مارس از ساعت ۶ بعدظهر تا ۱۱ شب

مکان: اتیوپی کامیونیتی سنتر

2A LITHOS RD, WEST HAMPSTEAD, LONDON NW3 6EF

نزدیکترین ایستگاه:

خط جوبیلی لاین- فینچلی رود (FINCHELY ROAD STATION)

ورودی رایگان است، اجرای موزیک زنده، شام در محل سرو میشود.

لطفاً برای اطلاعات بیشتر به شماره تلفن 07579801365 مراجعه کنید.

برگزار کنندگان:

بنیاد زن و جامعه & آلترناتیو سوسیالیستی



MIDDLE EASTERN WOMEN AND SOCIETY ORGANISATION
REGISTERED CHARITY NO. 103107
OFFICE@MEWSO.ORG

روز زن و تحولات انقلابی در ایران ...

نقش فعالین زن در روزهای خطیری که برای یک انقلاب دیگری آماده میشویم مهم است. سازمانیابی و تشکل سازی حول مهمترین خواستهای زنان، اتحاد با نیروهای همفکر و جنبشهای در حال نبرد با رژیم، اطلاع رسانی و کار مستمر در میان زنان و جوانان دست شما را میبوسد. نیروی عظیمی از زنان و جوانان به خیابانها میایند و منتظر پیام شما هستند. آمادگی و سازماندهی تان به آنها اعتماد میدهد که به دنبالتان بیایند. جنبش آزادی و برابری زنان بر روی همه نرمهای اسلامی و رژیمهای تاکنونی که از زنان بعنوان نیروی ذخیره استفاده میکنند، خط بطلان میکشد. خواستهای برابری طلبانه برای بهبود وضع زنان را باید صریحاً در صدر هر اعتراض و تجمعی مطرح کنیم. قانون اساسی جمهوری اسلامی باید منحل و بر ویرانه آن احکام برابری طلبانه، با بالاترین دستاوردهای بشریت برای برای زن و مرد ضمانت شود. باید پایه های زنجیروار سنتهای مردسالارانه و عقاید پوسیده مذهبی را گسست. رفاه و امنیت، کاریابی، آموزش و عدالت باید تضمین شود. تمام اسناد مربوط به سنگسار زنان، اسید پاشیدن، حجاب و اجبار و جریمه پردازی آن، آمار زندانیان سیاسی، تجاوزها و شکنجه ها و اعدام ها، گزارش تحصن و اعتصابات و به گلوله بستن کارگران و دانشجویان، گزارش تدریس احکام شریعه، تجاوز به کودکان زیر سن به نام ازدواج، صیغه، چند همسری، اشاعه فحشا و گرسنگی خانواده بی سرپرست، اذیت و آزار شهروندان منتسب به "اقلیت"های قومی و مذهبی، حمله پاسداران، حزب الله و شعبان بی مخهای اسلامی به زنان، زمینه سازی صدها قتل ناموسی و ترویج زن ستیزی از منابر مساجد، صدها مورد دیگر همه و همه را باید برانداخت و در دادگاههای مردمی مسیبین و مجرمین آن تاوان پس بدهند. مساجد در چهار دهه تاریخ ایران مرکز جهل و بدبختی مردم بویژه زنان بوده و هنوز هست. در این مساجد و همه اماکن اسلامی ترویج خرافه و جهل باید ممنوع شوند، بغیر از عبادت مذهبی و امر خصوصی بزرگسالان نباید به آنها راه داد که هیچ نقشی در جامعه داشته باشند. دولت باید بطور کامل آنها را تحت نظر و کنترل قرار دهد.

در این روزهای انقلابی و قتش رسیده که جداسازی و حجاب را بطور علنی در میداين و خیابانها برهم زد. در صفهای مختلط و بدون روسری با شعار نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی از شرکت کنندگان در تجمعه بخواهید که از شما پشتیبانی کنند. خلق و خوی مردسالانه هنوز بر جامعه ما سنگینی میکند. با کارهای جمعی میتوان فشار آنرا کم کرد. تظاهراتهای جمعی بهترین مکان برای برملا کردن و رسوا کردن چنین اخلاقیاتی هستند. با حقه و زور ادیان و باورهای زن ستیز مذهبی را به جامعه حقه کردند، با کار آگاهگرانه و جنبشی این اخلاقیات را به زباله های تاریخ میفرستیم. در خیابانها و محافل جنبش خراب کردن صندوقهای رای و براندازی این رژیم براه افتاده است. با لیست کشتار قربانیان از دست رفته و مفقود شده، با پرچمهای پر از خواستهای برحق و با شعار "جمهوری اسلامی، نمیخواهیم،

اتحاد کارگران شاغل و بیکار علیه بیکاری!

به بیژن زنگنه،

مردم "عادت نمی کنند"، نابودتان میکنند!

سعید قادیان

۱۶ بهمن بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت رژیم اسلامی اظهار کرد که "اگرچه مصرف بنزین کاهش یافته ولی با عادت کردن مردم به قیمت، این میزان دوباره افزایش می یابد!" این اظهارات وزیر نفت درست بعد از گذشت قریب به سه ماه از اعتراضات وسیع مردم نسبت به گرانی بنزین در آبانماه سال جاری که در اقصی نقاط ایران سرتاپای رژیم را آچمز کرد و به تکاپو انداخت بیان می شود که بنزین بر نفرت و انزجار عمیق و بحق مردم پاشاند.

جناب زنگنه مگر وحوش مسلح شما در سپاه و بسیج و نیروهای ضد شورش شهری با تمام قدرت نظامی بجان مردم بپا خاسته نیافتادید و بالغ بر هزاران شهروند شریف و آزادیخواه و عاصی از نظام مملو از نابرابری را به سبعانهترین شیوه بقتل نرساندید و تازه بعد از گذشت سه ماه و اندی از این جنایت جمعی و فشارهای داخلی و بین المللی برسر اعلام آمار و تعداد جانبختگان پاسکاری میکنید. آیا زنگنه از دستگیری بیش از ۷۰۰۰ هزار معترض آبانماه خبر ندارد که هرازگاهی جنازه تعدادی از آنان در گوشه و کنار این کشور غرق در خون یافت می شوند؟ اگر مردم به این اجحافات شما و حکومتتان "عادت" کردهاند و خبری نیست و آب از آب تکان نمیخورد، پس چرا اینچنین به بجان هم افتادهاید و مسئولیت جنایاتتان را به همدیگر حواله میدهید و زیر بار آن شانه خالی میکنید؟ پس چرا هنوز به قوه قهریه متوسل میشوید و خواب از چشمان خود و رهبر نکبت تان پریده و از مردم برای حضور پای صندوقهای رای التماس میکنید که "اگر ما را هم دوست ندارید به خاطر ایران به پای صندوقهای رای بروید"؟

دولت متبوع شما کافیتست یک روز تفنگهایتان را ضامن کند و اوباشان مسلح تان دست به ماشه نبرند، آنگاه خواهید دید آنچه را که در چهل و یک سال با قتل عام و هولوکاست اسلامی و اسید پاشی و سلب آزادیهای فردی و اجتماعی و گستراندن فضای اختناق به جامعه تحمیل کردهاید، چگونه دود میشود و هوا میرود و مردمی که دیگر نمیخواهند "عادت کنند" بساط تان را زیرو رو خواهند کرد. زنگنه در تازمترین اظهار نظر در مورد کارکرد تحریمها در صنعت نفت و صادرات آن ابراز میکند که "وزارت نفت به نان شب محتاج است و نباید توقعی از این وزارتخانه داشت". او در ادامه میگوید که "تحریمهای نفتی آمریکا صادرات نفت ایران را با مشکل جدی روبرو کرده است".

زنگنه خوب میداند که در دورانهای مختلف که شخص مبارکشان بمدت ۱۴ سال تاکنون در راس این وزارتخانه بوده و به "شیخ الوزرا" ملقب شده، ناچیزترین بخش درآمد نفت به جیب مردم ایران رفته است. بخش

مهمی از درآمد این وزارتخانه صرف تروریسم اسلامی و نیروهای اوباش حزب الله لبنان و حماس و نگه داشتن بشار اسد بر اریکه قدرت و دخالت سیاسی و نظامی در منطقه و صدور تروریسم به شاخ آفریقا و غیره بوده است. زنگنه میداند که بودجههای نجومی صرف بیت رهبری و جامعه المصطفی و تربیت آخوند شیعه،

نشر آثار خمینی، صرف نیروهای سرکوبگر و آدوات نظامی و ورای اینها رانت خواری و دزدیهای کلان نجومی و هرزگی "آقازادهها" از لواسان تا شمال تهران و لس آنجلس و دول عربی می شود، در حالی که فقر از سر و کول این جامعه می بارد.

جا دارد از بیژن زنگنه مرتجع پرسید آتموقع که بیشترین درآمد از فروش نفت حاصل دولت متبوع شما می شد چه چیزی به مردم ایران می رسید و اکنون که درآمد نفت به پایین ترین سطح رسیده است چرا به رخ ما مردم ایران می کشید؟ مردم ایران در هر دو حالت متضرر این ماجرا هستند. به همین دلیل به جای "عادت کردن" به ازدیاد قیمت بنزین، کمر به نابودی شما اوباشان و غارتگران ثروت و سامان این جامعه و قاتلین مردم ایران بستهاند. آیندهای جز سرنوشت سایر حاکمین فاشیست در انتظارتان نیست.

۲۰ فوریه ۲۰۲۰ - ۱ اسفند ۹۸

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

در رابطه با مرگ فعال کارگری رؤف خداکرمی



امروز مطلع شدیم که متأسفانه رؤف خداکرمی فعال کارگری، از اعضا و یکی از نمایندگان سندیکای کارگران خیابان شهر سنندج شب گذشته ۳۰ بهمن به دلیل بیماری در یکی از بیمارستانهای این شهر درگذشت.

کمیته کردستان حزب حکمتیست بدینوسیله به خانواده، بستگان، دوستان و

اعضای سندیکای کارگران خیابان صمیمانه تسلیت می گوید و خود را در غم از دست دادن این کارگر مبارز شریک می داند. یادش همیشه گرامی و زنده است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱ اسفند ۱۳۹۸

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!

از مرگ بر خامنه ای تا الغای مالکیت خصوصی

جاوید حکیمی

اسماعیل بخشی: "اگر ده تا حقوق هم بهمون بدهند تا خصوصی سازی در این منطقه است اعتصاب ادامه دارد!"

سقوط دیکتاتورها همیشه لذت بخش است. با رفتن هر مستبدی، انسان به ممکن بودن جاری شدن عدالت در دنیا امیدوار می شود. مفاهیم مقدسی چون آزادی، برابری، عدالت و حقیقت با هر تعبیری چنان در گنجه وجود آدمی ریشه دوانده که بسیاری برسر تحقق آن جان می بازند. حتی مدافعین دو آتشه سلطنت هم می دانند در اینکه فردی مادام العمر شاه باشد و دیگران فرمانبردار، هیچ برابری و عدالتی وجود ندارد برای همین پسوند مشروطه را می آورند تا از کراهت آن بکاهند. تازه این سیستم پادشاهی مشروطه، هزار بار موجه تر از سلطنت استبدادی و ولایت مطلقه است. وه که چه لذتی داشت وقتی روزنامه ها نوشتند "شاه رفت" و چه شغف انگیز خواهد بود روزی که بنویسند "خامنه ای دستگیر شد". هم فرار شاه عین عدالت بود و هم دستگیری قریب الوقوع خامنه ای. با این همه برای طبقه کارگر فرار یا بازداشت هیچ شاه و شیخی نه فقط پایان ماجرا نیست بلکه بسیار هم محتمل است آغاز دوره ای از سختترین کشاکش اجتماعی باشد.

مردم حق داشتند "مرگ بر شاه" بگویند اما ارمغان آن همه رشادت و از خودگذشتگی برای رنجبران چیزی نبود جز سلب آزادیهای ابتدایی و بسط استبداد تا اعماق جامعه. ضد انقلاب اسلامی حالا چهل سال است جواب اعتراض زنان را با اسید و پاسخ کارگران را با زندان و شکنجه می دهد. اکنون کارگران، زنان و جوانان به جان آمده از فقر و فلاکت و بیداد، با شعار "مرگ بر خامنه ای" به خیابان آمده و حکم بر رفتن حکومت اسلامی داده اند. این شعار همانقدر برحق و منطبق بر خواست قلبی میلیونها انسان رنج دیده است که شعار "مرگ بر شاه" و اگر آماده نباشیم و سیاست روشنی نداشته باشیم، میتواند به همان سرانجام شوم منتهی شود.

دیدیم آنها که می گفتند علت العلل مصائب اجتماعی شاه است و با رفتن او ایران گلستان میشود، شیدانی بیش نبودند. حالا باز هم عده ای دارند دروغی دیگر را به خورد کارگر می دهند. اینطور تبلیغ می کنند که با سقوط ولی فقیه و حتی با استعفای او عامل اصلی دزدی و فساد و اختلاس کنار رفته و رفاه و عدالت و آزادی محقق خواهد شد. این مطلقاً حقیقت ندارد.

ولی فقیه فصل الخطاب و ستون اصلی حکومت اسلامی است و مرگ بر خامنه ای و مرگ بر حکومت مذهبی یعنی تیشه به ریشه این حکومت زدن. با این همه ریشه استبداد و انقیاد جامعه مالکیت خصوصی است و نه شاه و خامنه ای و سلطنت و ولایت فقیه و اصل و فرع آن. مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، مناسبات مبتنی بر بردگی مزدی، آن بستری است که استثمار انسان از انسان را مهیا ساخته و کارگر را نسل اندر نسل برده کارفرما می کند. از دل حاکمیت اصل مالکیت خصوصی وسایل تولید در دست بورژوازی، هیولاهایی چون



رضا شاه و خمینی ظهور می کنند. چون سرمایه داری به دیکتاتوری نیاز دارد و دیکتاتورها با هر رنگ و قواره ای نوکر و پاسدار منفعت سرمایه و این نظم اند. جایی که کارفرمایان شرایط استخدام و اخراج کارگر را منطبق با منفعت اقتصادی خود می نویسند و تحت عنوان قوانین کار به مورد اجرا می گذارند، جز شکلگیری استبداد سیاسی و عروج شخصیت

های خودشیفته و قلدرباب، انتظار دیگری داشتن عبث است. در چنین جوامعی شاه راس امور باشد یا شیخ، نظام سیاسی پادشاهی باشد یا جمهوری، به حال کارگر چندان توفیری ندارد. کارگر برای یک اپسیلون بهبود وضعیت معیشت خود علاوه بر کار طاقت فرسای هر روزه باید دنبال تشکل و سازماندهی برود و خون جگرها بخورد و دست آخر هیچ چیز از زندگی در خاطرش نماند جز سی سال کار و زحمت، درد و رنج، مبارزه و دستگیری و در بدری. تازه همین اندازه تشکل، سازماندهی و مبارزه کارگران برای فقط و فقط دفاع از حقوق صنفی خویش در کشورهایی نظیر ایران "اقدام علیه امنیت ملی" تلقی شده و بر کارگر آن می رود که می بینیم. رضا شاه با رهبر کارگران اعتصابی خوزستان یوسف افتخاری همان کرد که جمهوری اسلامی با اسماعیل بخشی نماینده کارگران هفت تپه. یوسف به دوازده سال زندان محکوم شد و اسماعیل به چهارده سال.

بیهوده نیست مالکیت خصوصی برای بورژوازی یگانه اصل مقدس و غیر قابل نقد است. آنچه برای کارگر منفور و منشا بردگی است برای بورژوازی مقدس و مایه برکت است. یگانه درسی که از قیام پنجاه و هفت و سرانجام تلخ آن باید گرفت اینست که مسیر آزادی و رهایی کارگران همان آدرسی نیست که اپوزیسیون بورژوازی به همه نشان می دهد. "دست در دست یکدیگر، میهن خویش کنیم آباد" فراخوانی همه با همی و به همین دلیل عوامفریبانه است. اپوزیسیون راست پرو غرب با شعار "مرگ بر اصل ولایت فقیه" به تمام هدف خود که یک جابجایی ساده قدرت در بالاست نائل میشود آنچنانکه جنبش ملی-اسلامی با شعار "مرگ بر شاه" به قدرت خزید و دمار از روزگار همه درآورد. کارگران برعکس، اگر همزمان با واژگونی نظام اسلامی با ولی فقیه اش، دست به ریشه نبرند و الغای مالکیت خصوصی را هدف قرار ندهند، آخر الامر هیچ چیز جز گلوله و گورستان نصیبشان نخواهد شد. جدال طبقاتی از جنس مسابقات المپیک نیست که بر سینه نفر دوم مدال نقره بیاویزند و فرصتی دوباره برای برنده شدن به او بدهند. در نبرد خونین طبقاتی آنچه نصیب کارگر می شود یا تمام آزادی است یا مرگ. ضرورت صف مستقل پرولتاریا و افشای بی امان تمام جناح های بورژوازی درون و بیرون حاکمیت از همین جا مایه می گیرد.

اسماعیل بخشی به حق خطاب به کارگران فریاد زد؛ "اگر ده تا حقوق هم بهمون بدهند تا خصوصی سازی در این منطقه است اعتصاب ادامه دارد". ما هم در تکمیل سخنان او می گویم اگر ده تا شاه و شیخ در این مملکت بیایند و بروند تا مالکیت خصوصی ملغی نشود مبارزه انقلابی ادامه دارد. تنها یک انقلاب کارگری می تواند آزادی، رفاه و برابری را برای آحاد جامعه به ارمغان بیاورد. و اما جمله ای هم در خصوص آن یاهو گویانی که تاکید ما بر انقلاب کارگری را به انقلابی با شرکت فقط کارگران تعبیر می کنند. اینها را باید بی پاسخ گذاشت. حیف وقت که صرف پرداختن به چنین نقدهای مبتذلی گردد.*

به بهانه تمدید بازداشت حمید نوری

مهدی طاهری

پلیس سوئد زمان بازداشت حمید نوری را برای سومین بار یک ماه دیگر یعنی تا ماه مارس تمدید کرد. وی به جرم جنایت علیه بشریت، شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی دستگیر شده است. نوری دادیار زندان گوهردشت کرج در دهه شصت و یکی از بازجویان، شکنجه گران و از اعضای "هیئت مرگ" بوده که هزاران نفر از مخالفین حکومت را به جوخه های اعدام سپردند. وی یکی از دستیاران آیت الله اعدام، ابراهیم رئیسی بوده است. وی طبق گفته حقوقدانان، حداقل ۳۰ سال، باقی مانده عمرش را، چنانچه ۹۰ سال عمر کند، در زندان سر خواهد کرد.

این دیگر به آگاهی خاص و عام تبدیل شده که حکومت جمهوری اسلامی، در اوایل سالهای به قدرت رسیدنش، با سازمان دادن یکی از وحشیانه ترین قتل عامهای تاریخ معاصر بر علیه آزادیخواهان، برابری طلبان و مخالفین حکومت توانست کاری را که حکومت شاهنشاهی در انجام آن ناتوان بود، یعنی سرکوب انقلاب ۵۷، به سرانجام برساند. ابراهیم رئیسی ملقب به "آیت الله اعدام" یکی از اعضای گروه چهار نفره "هیئت مرگ" و از مسئولین قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ است. این جانی و قاتل سربالی در سال گذشته به ریاست "قوه قضائیه" منصوب شد. وی عضویت در "هیئت مرگ" را تأیید و از اعدامهای دهه شصت دفاع کرده است. رئیسی در اولین مصاحبه مطبوعاتی بعد از انتصابش به عنوان رئیس قوه قضائیه گفت: آنچه که امروز مهم است اول امنیت و بعداً عدالت است. به این نکته پائین تر اشاره میکنم. اما به این نمونه ها توجه کنید:

- حسن روحانی رئیس جمهور "اصلاح طلب" و "معتدل" در همان اوایل انقلاب در نماز جمعه ها فراخوانش به مجریان اعدام این بود که مخالفین را در ملاً عام اعدام کنند تا عبرت خلق شوند. وی انتصاب ابراهیم رئیسی را به سمت جدیدش تبریک گفت. یکی اصلاح طلب و دیگری اصولگرا.

- علی ربیعی، یکی از "اصلاح طلب"ها، وزیر کار دولت روحانی که در سال گذشته مجبور به استعفا شد و امروز سخنگوی دولت روحانی است، برای یکی از خودیهاشان تعریف کرده که: در دهه شصت وی قرار بوده از زندان تبریز تعدادی از زندانیان سیاسی را به زندانهای تهران منتقل کند. این وزیر کار "اصلاح طلب"، به قول خودش به خاطر کمبود نیرو، زندانیان را در تابوت گذاشته و درب تابوتها را میخ میزند تا از فرار احتمالی زندانیان جلوگیری کند و تابوتها را با دو مأمور مسلح به تهران میفرستد. به مقصد که میرسند تمام زندانیان دچار خفگی شده و مرده اند.

- سعید طوسی پدوفیل معروف قاری قرآن، که معرف حضور همگان است، با شکایت بیست و چند کودک (به اضافه عده ای دیگر که به

خاطر "حفظ آبرو" سکوت را ترجیح داده اند) که مورد تجاوز این وحشی قرار گرفته اند، بنا به اقرار صریح خودش در مصاحبه ها و تماسهای تلفنی به این تجاوزات اعتراف کرده اما زمانی که میخواهند او را به دادگاه بکشانند وی تهدید میکند چنانچه که پایش به دادگاه برسد نام صد نفر دیگر را، که عین خود ایشان پدوفیل هستند، را افشا خواهد کرد!

آن صد نفر کسانی هستند که اتفاقاً نباید افشا شوند و آنها آنقدر نفوذ دارند که مسئله شکایت از وی را، علیرغم اعترافش، ماستمالی و مختومه اعلام کنند. سعید پدوفیل یکی از نورچشمی های خامنه ای است و به بیت و حیات خلوت خامنه ای رفت و آمد دارد. این مردک هم مثل بقیه این جنایان و دیگر همپالگیهای پدوفیلش همچنان آزادانه دارد به "فعالیتهايش" که تجاوز به کودکان است ادامه میدهد.

- مهدی چمران، یکی از اعضای سابق شورای شهر تهران، در دورانی که قالیباف شهردار بود را میخواهند به جرم دزدیهای میلیاردری و زمین خواری محاکمه کنند. ایشان هم در مقابل با تهدید به اینکه حداقل نام صد نفر دیگر، که همه آنها در زمین خواریها و دزدیهای هزاران میلیاردری و چپاول اموال عمومی شریک جرم هستند، را افشاء خواهد کرد. باز هم پای افشا شدن عوامل پرنفوذ در سطح مقامهای بلند پایه حکومتی که به هیچ وجهی نباید افشاء شوند به میان می آید به همین دلیل پرونده وی هم مثل موارد مشابه، علیرغم شواهد و اسناد در مورد این دزدیها مختومه اعلام میشود.

- هاشمی شاهرودی، رئیس پیشین مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس قوه "قضائیه"، که سال پیش زندگی پر از جنایتش پایان یافت را همگان به خاطر دارند. در دورانی که وی رئیس قوه قضائیه بود بیشترین تعداد کودکان به اعدام محکوم شدند. اصولاً در تمام طول حیات جمهوری اسلامی تمامی دستگاه و سیستم قضایی، بخوان سیستم جنایی، یکی از ابزارهای سرکوب و اعدام مخالفین و معترضین بوده تا ادامه حیات جنایتکارانه شان را تضمین کنند. داستان فرار او را هم که به خاطر داریم که از ترس دستگیری و دادگاهی شدن به جرم جنایت بر علیه بشریت، در آلمان معالجه اش را نیمه تمام رها کرد و فرار را برقرار ترجیح داده و به ایران برگشت و در ایران به درک واصل شد.

اینها مثنی از خروارند. تعداد و لیست سران اختلاس و فساد و جنایت بحدی زیاد است که هر کدام دیگری را حاشیه ای میکند. بعبارت دیگر، تک تک سران حکومت اسلامی، اعضای نهادهای مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان، شورای نگهبان به اضافه تمامی فرماندهان سپاه، سران سه قوه، تمامی وزرای دولتهای جمهوری اسلامی، استانداران، شهرداران، فرمانداران، بازجوها، بازپرس ها، مداحان، اعضای گارد ویژه، نمایندگان مجلس، گروهها و تیم های اطلاعاتی و ترویستی و طبعاً در صدر لیست این آدمکشان خامنه ای بدون استثناء مستقیم و غیر مستقیم، آمر و عامل شکنجه و اعدام هزاران هزار انسان از شهروندان کشور، و باعث و بانی جهنمی هستند که ما در آن "زندگی" میکنیم. اینها جنایتکاران حرفه ای هستند. یک خانواده چند

را برای همیشه به زباله دان و گورستان تاریخ سپرد. به همانجا که از آن برخاسته و به آن تعلق دارد. مطمئناً و بدون هیچ شکی این کم هزینه ترین راه برای خلاصی از شر این حکومت و جهنی است که به ما تحمیل کرده است. لاشه گنبدیه جمهوری اسلامی را باید از سر راه مبارزه برای آزادی و رفاه و خوشبختی همگان برداشت. خودش نخواهد افتاد، هیچوقت. باید آن را با نیروی قهر انقلابی برانداخت.

رمز و کلید پیروزی در نبرد با وحوش اسلامی سرمایه و برچیدن تمامی بساط حکومتشان در متشکل شدن و سازمان دادن و بازهم سازمان دادن است. تشکل محلات یک محور مهم در این نبرد سرنوشت ساز است. خامنه ای بعد از اعتراضات میلیونی آبانماه برای دفع خطر سرنگونی، نیروهای تحت فرمانش را به بازگشت به تجربه "کمیته های محلات"، که وظیفه شان کنترل و تحت نظر داشتن ساکنین محل بود، رجوع داد. آن زمان اکثریت مردم خاموش بودند و کمیته چپها دست بالا را داشتند. به این اعتبار رژیم دستش برای از سر راه برداشتن فعالین مخالف حکومت و اقدام به هر جنایتی باز بود. آنان اوضاع کاملاً برعکس شده و شرایط کنونی با آن زمان تفاوتی اساسی دارد. امروز اکثریت مردم معترض و خواهان سرنگونی رژیم در یک طرف و حکومتیانی که ایزوله شده و مورد تفرق عمیق مردمی هستند در طرف دیگر. تجربه اعتراضات آبان ۹۸ این را نشان داد که پاشنه آشیل و نقطه ضعف حکومت محلات است. ما برای به زیر کشیدن حکومت نیاز به نوعی سازمان و تشکل داریم. این امر دست فعالین کمونیسیت، فعالین کارگری، فعالین عرصه های مختلف اجتماعی، معلمان، بازنشستگان و رادیکالها را میبوسد. ما باید تشکلی بسازیم که وسیع ترین توده های مردم را در بر گرفته و انرژی و استعدادهای فراوانشان را در یک ظرف ریخته و به کار بیندازد تا با صرف کمترین هزینه و زمان ممکن رژیم جمهوری اسلامی را به زیر بکشیم. ما نیاز به تشکل داریم به این دلیل ساده که حکومتیان سازمان یافته اند. در مقابل حکومتی که متشکل و سازمان یافته است باید تشکل و سازمان داشته باشیم. متشکل شدن و سازماندهی کردن توده های میلیونی خواهان سرنگونی حکومت، خاصه در محلات کارگری و زحمتکش نشین، امر عاجل امروز کمونیستها آزادی خواهان و برابری طلبان است.

۲۰ فوریه ۲۰۲۰ - ۳۰ بهمن ۱۳۹۸

هزار نفری، ۴۱ سال است که پستهای وزارت، استانداری، شهرداری، فرمانداری، رده های بالای نظامی و امنیتی دستگاه سرکوبشان را دست بدست بین خودشان چرخانده اند و به جنایت و چپاول ادامه داده و هر کس را هم که اعتراض و طلب حق کرده، همچون معترضین آبان ماه، به گلوله بسته و بازندان و اعدام سرکوب کرده اند.

دیروز هاشمی شاهرودی و امروز حمید نوری، مهره ای که کمتر کسی او را میشناخت مگر زندانیان سیاسی دهه شصت که جان سالم بدر برده اند، که پایشان را به بیرون از کشور گذاشتند تحت تعقیب و پیگرد قرار میگیرند. اولی موفق به فرار شد و دومی دستگیر و به زودی محاکمه خواهد شد. این دو نمونه، هاشمی شاهرودی و حمید نوری خصلت نما و وصف حال عاقبت سران رژیمند. سران حکومت خوب میدانند که در داخل کشور مردم در کمینشان هستند و در خارج تحت تعقیب اند. به بیان دیگر: نه راه پس دارند و نه راه پیش. به همین خاطر اینان هیچ گزینه دیگری، به جز همان روشی که تا به حال با توسل به آن حکومت کرده اند یعنی سرکوب ندارند. تصمیمشان را گرفته اند. خودشان را تجدید سازمان و آرایش داده و برای نبرد آخر آماده میشوند. قاطع ترین، هارترین و سرخظترین هایشان را به جلو صحنه فرستاده اند. همین آیت الله اعدام، رئیسی جلا بعد از منصوب شدنش به ریاست قوه قضائیه گفته بود: مهمترین مسئله روز برای وی، بخوان حکومتشان، اول امنیت است و بعد عدالت. آنها که با گداهای بیانی حکومتیان و طبقه حاکم آشنایی داشته باشند خوب میدانند که منظور وی از امنیت نه برای شهروندان ساکن ایران بلکه امنیت حکومت در مقابل اعتراضات مردمی هست که حکومت اسلامی نمیخواهند. و دیدیم که چگونه، در آبانماه با قتل عام حداقل ۱۵۰۰ نفر و دستگیری هزاران نفر، "امنیت" را برقرار کردند. دیدیم که چگونه همه سران حکومت، از اصلاح طلب و اصولگرا از نیروهای سرکوبگر انتظامی و سپاهی بخاطر نجات نظام تشکر کردند. "عدالت" بورژوازی هم به همین منوال است. عدالت نه برای عموم شهروندان بلکه برای دار و دسته مقابل و جناحهای مختلف رژیم کثیفشان است که باهم از دسترنج کارگران بخورند.

به این اعتبار باید قهر ضد انقلابی را با قهر انقلابی جواب داد. هیچ آشغالی با پای خودش و یا با خواهش و تمنا به داخل آشغالدانی نمیرود. آشغال را باید جاروب کرد و به آشغالدانی ریخت. این حکومت را باید، به همراه مذهب کثیفشان اسلام، با قدرت قهر انقلابی به زیر کشید و آن



**آکسیون اعتراضی حزب
کمونیسیت کارگری -
حکمتیست و نیروهای
کمونیسیت و چپ در
تورنتو - کانادا علیه
مضحکه انتخابات، دیروز
پنجشنبه اول اسفند.**

مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست

بازهم کشتار کولبران زحمتکش توسط جانپان اسلامی

به این جنایات باید پایان داد!

بنا به اخبار منتشر شده روز یکشنبه ۲۷ بهمن مزدوران مرزی جمهوری اسلامی با شلیک مستقیم به گروهی از کولبران زحمتکش در منطقه مرزی نوسود تعدادی را کشته و زخمی کرده اند. این عمل جنایتکارانه باعث مرگ ۳ کولبر و زخمی شدن ۵ تن از آنان شده است. شاهد اراک و احمد صحرایی از جانب‌اختگان این حادثه دلخراش گزارش شده است.

روزهای دوشنبه و سه شنبه ۲۸ و ۲۹ آبان مردم مبارز پایه در اعتراض به این جنایت و همدردی با خانواده جانب‌اختگان این عمل جنایتکارانه، دست به اعتصاب زدند و بازارها را بطور کامل تعطیل کردند. روز دوشنبه همزمان تعدادی از مردم معترض، در اعتراض به کشتار کولبران در مقابل پاسگاه مرکزی تجمع کرده و با سنگ به مزدوران حمله کرده اند.

کشتار کولبران زحمتکش توسط مزدوران مرزی جمهوری اسلامی به امری عادی و روزمره تبدیل شده و بیرحمانه آنان را مورد حمله قرار میدهند. جمهوری اسلامی بجای ایجاد شغل و تامین معیشت مردم زحمتکش، گلوله نثار آنان می کند و اعتراض مردم به فقر و فلاکت و گرانی را در کف خیابانها با گلوله پاسخ می دهد.

کمیته کردستان حزب حکمتیست ضمن اعلام تسلیت و همدردی با خانواده جانب‌اختگان و آرزوی بهبودی برای مجروحین این حادثه دلخراش، این عمل وحشیانه را بشدت محکوم می کند و از همه مردم کارگر و زحمتکش شهرهای کردستان می خواهد که با هر اقدامی موثر به این جنایات اعتراض کنند و اجازه ندهند که بیش از این جان و زندگی کولبران زحمتکش به خطر بیفتد و توسط مزدوران جمهوری اسلامی کشته شوند. حاکمیت جمهوری سیاه اسلامی بیشتر از چهار دهه با قتل و کشتار و فقر و فلاکت و اختناق و سرکوب رقم خورده است. این اوضاع را نباید بیشتر از این تحمل کرد. به این جنایات باید پایان داد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۹ بهمن ۱۳۹۸

اجتماع و اعتراض دانشجویان

"مردم درگیر فقرند، اینا تو فکر رای اند!"

امروز یکشنبه ۲۷ بهمن ۹۸، دانشجویان دانشگاه امیرکبیر تهران در گرامیداشت قربانیان هواپیمای اکرائین اجتماعی برگزار کردند. دانشجویان از جمله شعارهای: "مردم درگیر فقرند، اینا تو فکر رای اند"، "نه صندوق، نه آرا، تحریم انتخابات"، "نه شیداد نه جلاذ تحریم انتخابات"، "دانشجو می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "از ایران تا بغداد، سرکوب ستم استبداد"، "امنیت پوشالی، جمهوری توخالی"، "به من نگو فتنه گر، فتنه تویی ستمگر"، "حکومت نظامی نمیخوایم نمیخوایم"، "بهاره هدایت آزاد باید گردد"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "۱۵۰۰۰ نفر کشته آبان ما"، "آبان و دی و خرداد، یاد آر خون بیداد" و ... را سر دادند. بسیج و حراست پس از مدت کوتاهی به دانشجویانی که متن بیانیه ای را قرائت میکردند، حمله کردند که با حمایت و تشکیل حلقه حفاظتی توسط دانشجویان روبرو شد. دانشجویان در این مقطع شعار دادند: "متحد، متحد، مقاومت میکنیم!"

امروز یکشنبه ۲۷ بهمن دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به حذف سنوات کارشناسی ارشد و دکترا اجتماع کردند. دانشجویان معترض از جمله شعار میدادند: "دانشجوی خوابگاهیم، سفره غذا نداریم"، "دانشجوی کارگر، پول نداره ستمگر"! همینطور دیروز شنبه ۲۶ بهمن، دانشجویان دانشگاه علامه تهران در اعتراض به حضور دوربین و گروه صدا و سیما در این دانشگاه، اعتراض کردند و با پلاکاردهائی در دست در محل دانشگاه حرکت کردند. دانشجویان شعار میدادند: "تنگ ما تنگ ما، صدا و سیما ما!"

امروز یکشنبه ۲۷ بهمن ۹۸، دانشجویان دندانپزشکی اصفهان در اعتراض به رویه بازاری دانشگاه و پذیرش خارج از ظرفیت دانشجو و عدم توجه به نیازهای آموزشی از جمله فقدان تناسب میان امکانات آموزشی و تعداد دانشجو، دست به اعتصاب زدند. امروز کلیه کلاسها و بخشهای آموزشی با اعتصاب تعطیل شد.

از جانب دانشجویان دانشگاه تهران فراخوانی با عنوان "کشته ندادیم که سازش کنیم" برای اجتماع در سر در اصلی دانشگاه تهران برای فردا دوشنبه ۲۸ بهمن ساعت ۱۷ انتشار یافته است.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست به اعتراض و مبارزه رادیکال دانشجویان درود میفرستد و در این مبارزه حامی و همراه شماست. آبانماه محور سیاست ایران است و امروز هر اعتراضی به حکومت فقر و استبداد و استثمار از دریچه ایران بعد از آبانماه و تداوم این حرکت دیده و سنجیده میشود. ما با اعتراضمان فریاد میزنیم که برای ما "انتخابات" یک مضحکه است، اصل قضیه اینست که جنبش آبان برای سرنگونی ادامه دارد، ما جنبش دی و آبانیم! فریاد میزنیم؛ حکومت فقر و سرکوب در موضع انتخابات نیست، در موضع متهم بجرم جنایت علیه بشریت است. باید برود و باید محاکمه شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۲۷ بهمن ۱۳۹۸- ۱۶ فوریه ۲۰۲۰



بیانیه تعدادی از شکل‌ها و جمع‌های دانشجویی رو به انتخابات اسفند ۹۸:

خیابان، مجلس ماست؛ مبارزه علیه ظلم و نابرابری، قانون‌مان

اقتصادی را به‌همراه خودتان به‌گور خواهیم فرستاد؛

و مراکز مغزشویی، دادگاه‌ها و پاسگاه‌های‌شان را به آواری بر سرشان بدل کردیم، چرا که آزادی انسان معیار ماست؛

هر جنایت را با تو دهنی پاسخ داده و می‌دهیم، هر تلاشی که برای سرکوب و به حاشیه راندن #صدای_خیابان باشد را به ریشه خواهیم انداخت.

پس تکلیف مشخص است، امروز صرف "نه" گفتن به انتخابات و تحریم آن، پاسخ ما رو به جنایات‌های انجام گرفته از طرف شما نخواهد بود؛ امروز وقت آن است که بگوییم:

"تنها خشم، آتش و خاکستر جا مانده از نابودی‌تان، پاسخ ما به وقاحت انتخابات‌بازی شماست"

تشکل‌ها و جمع‌های امضاء کننده بیانیه:

دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان
دانشگاه علمی کاربردی مشهد
دانشگاه آزاد نجف آباد

جمعی از دانشجویان دانشگاه مازندران
جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران
جمعی از دانشجویان دانشگاه پلی تکنیک

به این لیست اضافه خواهد شد

منبع: کانال دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان

انتخابات در حکومت همواره وسیله‌ای بوده است برای توجیه و پوشش گذاشتن بر جنایت‌هایی که از ابتدای تشکیل شدنش تا به حال مرتکب شده است. دروغ‌بافی‌های پس از جنایت سپاه پاسداران در دی‌ماه امسال و کشتار بی‌سابقه مردم در آبان‌ماه را فراموش نکرده‌ایم، با تمام گوشت و پوست و خون‌مان چهل سال زندگی در فضای اعدام، کشتار، سرکوب، تبعیض و نابرابری را احساس کرده‌ایم و خوب می‌دانیم با تداوم وضع موجود هیچ آینده‌ای در انتظارمان نیست و بی‌کاری و بی‌گاری تنها برنامه عملی حکومت است.

ما نه تنها انتخابات را یک تقسیم قدرت بین خودی‌ها می‌دانیم و هیچ‌گونه مشروعیت و مقبولیتی برای آن قائل نیستیم، بلکه رأی‌مان را خیلی پیش‌تر صادر کرده‌ایم و آن رأی چیزی نیست جز نابودی تمام مناسبات حاکم.

از ابتدای قیام انقلابی‌مان در دی‌ماه ۹۶ که با شعار #اصلاحطلب_اصولگرا_دیگه_تمومه_ماجرا_موضع_دقیق_سیاسی_خودمان را فریاد زدیم، تا هم‌اکنون که بیش از ۱۵۰۰ کشته در راه رسیدن به آرمان‌مان داده‌ایم و در خیابان‌ها نسخه نهایی را پیچیدیم و اعلام کردیم که این سیستم باید با تمام مناسبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی‌اش #نابود شود؛ مسیر زیادی را پیموده‌ایم.

همبستگی‌هایی را بوجود آورده‌ایم که خواب را از چشم حُکام ربوده است، طنین #دانشجو_معلم_کارگر_اتحاد_اتحاد از اعتصابات پرشکوه کارگران، از روز جهانی کارگر تاکنون، از تجمعات پرشکوه بازنشستگان تا همین حالا، گوش دشمنان‌مان را می‌آزارد؛

با قیام‌مان بانک‌های‌شان را به آتش کشیدیم و گفتیم استنمار و فلاکت

بزرگداشت روز جهانی زن

جمعه ۶ مارس
سخنرانان

فریده رضایی
گزارار زن

مهرنوش ششلی
شورای حمایت از مبارزات
آزادخواهان مردم ایران - استکهلم

اسانه پویشی
سازمان آلتات

پروین کابلی
حزب کمونیست کارگری ایران -
حکمتیست

ضریقه محمدی
حزب کمونیست ایران

بخش هنری: سرود خوانی رویا صادقی و موزیک

زمان: جمعه ۶ مارس ساعت ۱۶:۳۰ تا ۲۲
مکان: آکسلسبری
Axelsbergsgö 2, Hägersten
نولیانا خط فرمز به سمت نوشوری، ایستگاه آکسلسبری

سینار مشترک

اوضاع سیاسی ایران و نقش و وظایف نیروهای چپ و کمونیست

سخنرانان سینار
یدی شیوانی: اتحاد فدائیان کمونیست
محمود قهرمانی: حزب کمونیست ایران
همایون گدازگر: حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
خسرو آهنگر: سازمان راه کارگر
حسن بهزاد: سازمان فدائیان اقلیت
سعید سهرابی: هسته اقلیت

شنبه ۲۹ فوریه ۲۰۲۰ از
ساعت ۱۶ الی ۲۲
کلن آلمان
Altefeuerwache
Melchiorstraße 3, 50670 Köln

بعد از صحبت سخنرانها، زمان سینار به اظهار نظر و گفت و شنود حاضرین اختصاصی داده می‌شود.
ما همه انسان‌های آزادخواه و فعالین سیاسی چپ و کمونیست را به این سینار دعوت می‌کنیم.

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده‌ای را همه جا برپا کنید! در کارخانه‌ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

تعرض به کنسولگری جمهوری اسلامی در لندن

روز جمعه ۲۱ فوریه برابر با دوم اسفند به فراخوان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست و شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران و چند سازمان چپ دیگر، علیه مضحکه انتخابات و در حمایت از مبارزات انقلابی مردم ایران تجمعی اعتراضی در مقابل کنسولگری رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در لندن برگزار شد.

ساعت ۱۲ ظهر تظاهرات با شعارهای کوبنده "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "زنده باد آزادی و برابری"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و ... به زبانهای فارسی و انگلیسی آغاز شد. در همان ابتدای تظاهرات در و دیوار کنسولگری از طرف اعضا و فعالین حزب حکمتیست با تخم مرغ مورد حمله قرار گرفت و بعد از مدتی فعالین حزب حکمتیست مجدداً به کنسولگری تعرض کردند و تابلوی کنسولگری را از دیوار کنده و جلو پای تظاهر کنندگان تخریب کردند.

در ادامه تظاهرات سعید آرمان ضمن خوش آمد گویی به شرکت کنندگان در رابطه با اهمیت اعتراض امروز و سوت و کور بودن بساط مضحکه انتخابات در ایران سخنانی ایراد نمود. او به ویژگی عدم مشارکت مردم در پای صندوقهای رای این دوره معین اشاره نمود که بعد از اینکه مردم ایران در دیماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ با قدرت در مقابل جمهوری اسلامی قد علم کردند و خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی می باشند. ما در خارج کشور همراه و همزبان با جنبش کارگری، جنبش آزادی زن و جوانان انقلابی فریاد سر میدهم که جمهوری اسلامی و صله ناجور بر پیکر جامعه ایران است و باید برود.

در میانه تظاهرات یکی از عوامل رژیم سعی در برهم زدن و ایجاد مزاحمت برای تظاهرکنندگان داشت که علیرغم تماس با پلیس با



هوشیاری خنثی گردید. تظاهرات با سخنرانیهای کوتاه و شعارهای پرطنین بمدت ۲ ساعت ادامه یافت.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی ، برابری ، حکومت کارگری!

تشکیلات بریتانیای حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۱ فوریه ۲۰۲۰

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفاً کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

زنده باد سوسیالیسم!